

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political Satire

طنز سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۱۴ آگست ۲۰۰۹

شکوه

(۶) در آلمان :

{ ز }

دخترکان ، رقص کنان پیش پیش
با پسران ، هم تکر و نیش نیش
گاهی به تنهائی و گه ، جفت جفت
رقص چنان کردی که آن ساز گفت
وای و جب ، محفل افغان نگر
رقص همه از دل و از جان نگر
هر طرفی حلقه شده دختران
با پسران چک چک و ، وا وا کنان
تا که عروس و وجب حاضر شوند
رقصی کنند و همه ناظر شوند
وای و جب ، لطف عزیزان نگر
دالر و اوپرو کده پاشان نگر
وارد میدان شده پیر و جوان
مست و خرابند و ، همه سرشیکان

کنجی ببینی ، یکی افتاده مست
دیگری گیج است و شرابش بدست
وای وجب ، پَیروِ قرآن نگر
باده و پیمانۀ فراوان نگر
گریکی با چادر و تنبان شده
دیگری با ماکسی بمیدان شده
با مینی ژوپ ، یا همه عریان شده
دور و برش ، غمُبرِ مردان شده
وای وجب ، پَیروِ قرآن نگر
وحشتی در ملکِ غریبان نگر
تنگ چنان کرده به بر پیرهن
بسته دهن را و نگوید سخن
یا که چنان کرده گشادش به تن
پارچه دگر نیست برای کفن
وای وجب ، همتِ افغان نگر
رو به پشاور به یتیمان نگر
مُد به مردان ، رقمی ، زن شده
چوتیِ مو ، تاسرِ باسن شده
گردن و بر گوش قطاراً قطار
حلقه و زنجیره و هم گوشوار
وای وجب ، غیرتِ افغان نگر
یاز وفاسر به گریبان نگر

شکوه

(٦) در آلمان :

{ ح }

چیزی نگویم ز غذا های شان
آشپز و موزیک و نوا های شان

میوه و سبزیش به خروار شد
نختش و فورتیش ، چه بسیار شد
وای و جب ، طفلکِ افغان نگر
کرده فدا جان ، ز پیّ نان نگر

بقیه دارد